

Archive of SID

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال هفتم، شماره (۲۵)، بهار ۱۳۹۷ صفحه‌های ۵۹-۷۸

نقش اتاق فکرها در ترویج اسلام هراسی در انگلستان (مطالعه موردی: اتاق فکر «تبادل سیاست»)

حاکم قاسمی*

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

عزیزالله حاتم‌زاده

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

چکیده

اسلام هراسی در چند دهه اخیر به‌عنوان یک چالش جدی برای مردم و دولت‌های غربی به‌ویژه در انگلستان مطرح بوده است. این مسئله پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تشدید شد و ابعاد جدیدی به خود گرفت. اسلام‌هراسی ریشه در گذشته دارد و اقدامات گروه‌های اسلام‌گرای افراطی مانند القاعده در ایجاد تشدید آن تأثیر فراوانی داشته، اما اتاق فکرهای جوامع غربی نیز نقش و تأثیر بسیار مهمی در تقویت، گسترش و جهت‌دهی به آن داشته‌اند. با توجه به تمرکز مقاله حاضر بر روی کشور انگلستان، پرسش مقاله این است که اتاق‌های فکر در این کشور چه نقش و تأثیری در تقویت، گسترش، و جهت‌دهی به اسلام‌هراسی دارند؟

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی و رصد فعالیت‌ها و اقدامات اتاق فکر «تبادل سیاست» در انگلستان تلاش می‌شود تا به این پرسش پاسخ داده شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این اتاق فکر راست‌گرا به شکل هدفمند به تهیه گزارش‌ها و انتشار و ترویج ایده‌هایی می‌پردازد که اسلام و مسلمانان را به‌عنوان یک تهدید معرفی می‌کنند و از این طریق بر افکار مردم و تصمیم‌گیران و سیاستمداران و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را برای مقابله با اسلام و مسلمانان جهت می‌دهند.

واژگان کلیدی: اسلام هراسی، ۱۱ سپتامبر، اتاق فکر، انگلیس، مرکز تبادل سیاست.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱/۲۱
آدرس الکترونیکی نویسنده عهده‌دار مکاتبات: ghasemi20@yahoo.com

۱. مقدمه

مفهوم و مصادیق اتاق فکر (Think Tank) برای اولین بار در دهه ۱۹۴۰ توسط امریکایی‌ها وارد ادبیات سیاسی و مدیریتی شد. تعریف واحدی درباره اتاق فکر وجود ندارد. به‌طور کلی می‌توان آن را نهاد یا مرکزی دانست که به بررسی و پژوهش درباره مسائل مختلف جامعه می‌پردازد و برای آن‌ها راهکار ارائه می‌دهد. اتاق فکرها از یک‌سو به مراکز علمی و آکادمیک پیوند می‌خورند و از سوی دیگر با حوزه سیاست‌گذاری در ارتباط هستند. همین مسئله آن‌ها را از نهادهای صرفاً سیاسی یا آکادمیک متمایز می‌کند و قدرت تأثیرگذاری آنان را افزایش می‌دهد. در هر جامعه‌ای، اتاق‌های فکر و احزاب و کارشناسان منتسب به آنان نقش بارزی در جهت‌دهی به افکار و اطلاعات سیاستمداران و شهروندان نسبت به مسائل مختلف دارند. این موضوع به‌ویژه هنگامی تشدید می‌شود که یک مسئله خاص از یک‌طرف به دغدغه اصلی شهروندان و سیاستمداران یک کشور تبدیل می‌شود و از طرف دیگر، این شهروندان و سیاستمداران دانش و اطلاعات کافی درباره آن موضوع خاص ندارند. این وضعیت به گروه‌های نامبرده امکان جهت‌دهی به افکار مردم و سیاستمداران خود و به این وسیله تأثیرگذاری بر تصمیمات آنان را می‌دهد. در واقع، آنان این امکان را می‌یابند تا واقعیت را آن‌گونه که می‌خواهند و با منافعشان همخوانی دارد، تعریف کنند. حضور اسلام و مسلمانان در جوامع غربی دهه‌های اخیر برای دولت‌ها و جوامع غربی به‌عنوان یک چالش مهم مطرح بوده است که عمدتاً شناخت کافی نیز درباره آن وجود نداشته است. فقدان شناخت درست از اسلام و مسلمانان از یک‌سو و تمرکز بر عملکرد برخی از گروه‌های مسلمان افراطی مانند القاعده و گروه‌های تکفیری و سلفی و برجسته‌سازی آن از سوی دیگر موجب پیدایی اسلام هراسی در این جوامع شد که دامن زدن به آن موجب شد تا اسلام هراسی به‌عنوان یک مسئله در جوامع غربی امروز خودنمایی کند. اتاق فکرهای جوامع مذکور، به‌ویژه اتاق فکرهایی که نسبت به اسلام و مسلمانان موضع منفی دارند، به‌عنوان نهادهای مؤثر در مواجهه با این مسئله، این فرصت را یافته‌اند تا با استفاده از مشروعیت علمی-سیاسی خود به نگرش جامعه و سیاست‌های دولت خود در قبال اسلام و مسلمانان جهت دهند و اسلام‌هراسی را تقویت کرده و گسترش دهند. این مسئله به‌ویژه در آمریکا و انگلیس اهمیت بیشتری دارد، زیرا در این کشورها از یک‌سو اتاق فکر سابقه و اهمیت بیشتری دارد و از سوی دیگر اسلام هراسی بیش از سایر کشورهای غربی تبدیل به «مسئله» شده است.

پرسشی که در این مقاله تلاش می‌شود بدان پاسخ داده شود این است که اتاق‌های فکر چه تأثیری در شکل‌گیری، تقویت و جهت‌یابی اسلام هراسی دارند؟ برای پاسخ به این پرسش بررسی عملکرد اتاق‌های فکر در قبال اسلام هراسی ضروری است، اما به دلیل آنکه بررسی عملکرد همه اتاق‌های فکر در غرب در یک مقاله میسر نیست، یکی از آن‌ها یعنی اتاق فکر «تبادل سیاست» (Policy Exchange) را به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب کرده و به بررسی اقدامات آن می‌پردازیم.

اتاق فکر تبادل سیاست در انگلستان در دوره پس از ۱۱ سپتامبر شکل گرفت و رصد فعالیت‌های آن نشان می‌دهد که نقش مهم و تأثیرگذاری در روند اسلام‌هراسی چه در سطح جامعه انگلستان و چه در سطح سیاسی و دولت این کشور داشته است. در این مقاله پژوهشی فعالیت‌ها و گزارش‌های مختلف این اتاق فکر مورد بررسی قرار گرفته است تا نشان داده شود چگونه نهادهای مشابه به تقویت و گسترش اسلام‌هراسی در غرب کمک می‌کنند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. با بررسی فعالیت‌های اتاق فکر تبادل سیاست، از یک طرف عملکرد این نهاد درباره اسلام‌هراسی توصیف، و تأثیرات آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و از طرف دیگر نقش آن در رشد، گسترش، و جهت‌دهی اسلام‌هراسی استنتاج می‌شود. در این جهت ابتدا به وضعیت مسلمانان و اسلام‌هراسی در انگلیس به‌طور کلی اشاره و سپس اقدامات این اتاق فکر تشریح می‌شود.

۲. چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

دو مفهوم کلیدی این پژوهش واژه‌های اتاق فکر و اسلام‌هراسی هستند که اگرچه هر دو در ادبیات علمی و آکادمیک در چند دهه اخیر مطرح هستند، اما پیوند و ارتباط آنان تا حدودی جدید است. اسلام‌هراسی (Islamophobia) مفهومی است که اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ به‌طور گسترده‌ای از سوی فعالان سیاسی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است. می‌توان گفت که واژه اسلام‌هراسی با انتشار گزارشی تحت عنوان «اسلام‌هراسی: چالشی برای همه» (Islamophobia: A Challenge for us All) در سال ۱۹۹۷ از سوی سازمان غیردولتی رانیمد تراست (Runnymede Trust) مورد استفاده قرار گرفت. به‌رحال، فعالان سیاسی و سازمان‌های غیردولتی از این مفهوم استفاده می‌کنند تا از طریق آن توجه را به سوی لفاظی‌ها و کنش‌هایی جلب کنند که علیه مسلمانان و اسلام در جوامع لیبرال دموکراسی غرب انجام می‌شود که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌کارگیری این مفهوم به اوج خود رسیده است. پژوهشگران از این اصطلاح برای شناسایی، حضور، ابعاد، شدت، دلایل و پیامدهای وجود احساسات ضد اسلامی و ضد مسلمانان استفاده می‌کنند. (Bleich, 2011: 158) اسلاموفوبیا (اسلام‌هراسی) از دو واژه «اسلام» و «فوبیا» (به معنای ترس نامعقول از چیزی یا بی‌زاری از آن است)، تشکیل شده است. واژه «فوبیا» بر دو معنای متفاوت دلالت دارد که هر دو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند:

الف) در روانشناسی: در مورد افرادی بکار گرفته می‌شود که دارای نوعی از بیماری هستند. این معنا فاقد دلالت مستقیم سیاسی است.

ب) در زمینه اجتماعی: مربوط به ضدیت با اقوام و ملیت‌هاست و دارای دلالت مستقیم سیاسی است. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، موضوع اسلام‌هراسی را نه تنها در سطح آمریکا و اروپا، بلکه در سطح جهانی مطرح کرد. این حادثه علیرغم ریشه‌های مبهم آن، به‌عنوان ابزاری مهم، علیه اسلام

و مسلمانان بکار گرفته شد و تصویر جدیدی از آنان در ذهن جهانیان ایجاد کرد. (غفاری هسجین و مرشدی‌زاد، ۱۳۸۶: ۳) منظور از اسلام هراسی در این پژوهش تصاویر و تبلیغات نادرست و اغراق‌آمیزی است که اتاق فکرها با هدف تغییر نگرش مردم و سیاستمداران درباره اسلام ارائه می‌دهند.

اتاق‌های فکر سازمان‌هایی هستند که هدف اصلی‌شان تحلیل سیاسی است. آن‌ها به دنبال اطلاع‌رسانی به شهروندان و مقامات دولتی نیز هستند. در رابطه با چپستی مفهوم اتاق‌های فکر، مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی تعریف واحدی وجود ندارد. اندرو ریچ (Andro Rich) اتاق‌های فکر را مؤسسات پژوهشی غیرانتفاعی می‌داند که تلاش می‌کنند از طریق ارائه تحلیل‌های راهبردی و طرح مسائل تخصصی در عرصه تصمیم‌سازی عمومی نقش داشته باشند. (Rich, 2004: 23) جان سی گودمن (John C. Goodman) رئیس مرکز ملی تحلیل سیاسی امریکا در مقاله خود تحت عنوان «اتاق فکر چیست؟» این تعریف را ارائه می‌دهد: «اتاق فکر سازمانی است که با حمایت از تحقیق و پژوهش بر روی مشکلات، یافتن راه‌حل برای این مشکلات را تشویق کرده و با ایجاد ارتباط میان نخبگان این هدف را تسریع می‌بخشد. اتاق فکرهای سیاست عمومی به صورت خاص بر روی سیاست‌های دولتی تمرکز دارند.» (Goodman, 2008: 1-2)

تبیین دقیق موضوع مورد نظر در این پژوهش یعنی نقش اتاق فکر در ترویج اسلام هراسی در قالب نظریه تصویرسازی (image theory) امکان‌پذیر است. با عنایت به نظریه تصویرسازی که معتقد است تصاویر مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و واقعیت‌ها در چارچوب تصاویر معنا و مفهوم می‌یابند می‌توان گفت مبنای اسلام هراسی را «تصاویر» شکل می‌دهند. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۲) بر اساس نظریه تصویر ذهنی، انسان بیش از آنکه با واقعیت سروکار داشته باشد، با برداشتی که از واقعیت دارد سروکار دارد و مبنای تصمیم‌گیری و عمل وی نیز همین برداشت از واقعیت است.

این مفهوم عمدتاً درباره رسانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاستلز در کتاب خود با عنوان «عصر اطلاعات؛ قدرت و هویت»، درباره حضور پررنگ رسانه‌ها در محیط ذهنی افراد معتقد است که رسانه‌ها به علت اینکه تاروپود نمادین زندگی ما هستند، همچون تجارب واقعی که بر رؤیاهای ما تأثیر دارند، بر آگاهی‌ها و رفتار ما تأثیر می‌گذارند و مواد خاصی را فراهم می‌سازند که ذهن ما با استفاده از آن کار می‌کند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۳۱)

بر این اساس، رسانه‌ها با تصویرسازی می‌توانند نقشی محوری در زندگی ما ایفا کنند. آن‌ها برای دست‌کاری افکار عمومی و ایجاد تصویر ذهنی مورد نظر خود از چند روش استفاده می‌کنند: تاکتیک نخست آن‌ها در این زمینه برجسته‌سازی است که بر اساس آن با ارائه و انتشار اخبار و اطلاعات مدنظر خود درباره اسلام و مسلمانان از یک‌سو اهمیت این موضوع را در ذهن مردم برجسته می‌کنند و از سوی دیگر، اندیشه مردم نسبت به این موضوع را جهت می‌دهند. در فرایند

برجسته‌سازی، رسانه‌ها قادر خواهند بود با تمرکز بر برخی از واقعیات و حقایق و پوشش فراگیر آن، اذهان گروه وسیعی از افراد جامعه را به یک موضوع خاص معطوف کنند و از طریق اغراق در نشان دادن حقایق، ارزش‌گذاری جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهند. تاکتیک بعدی رسانه‌ها در این زمینه، تکرار و پیگیری یک موضوع است. بر این اساس، تلاش می‌شود که با تکرار مداوم یک موضوع ضمن نگه‌داشتن آن، تصویری معین و مشخص از آن در ذهن مخاطب جا انداخته شود. (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۱۱) یک روش دیگر که رسانه‌ها برای تصویرسازی به کار می‌برند، برجسب‌زنی است. برجسب‌زنی به این معنا است که در درون هر جامعه، واحدهای برخوردار از قدرت و صلاحیت معناگذاری رفتار این توان و اقتدار خود را در قالب وارد آوردن برجسب کج‌رو و انگ زدن به افراد جامعه عمل می‌پوشانند. و این داوری را نیز با تکیه بر پیش‌داوری‌های مبتنی بر الگوهای فرهنگی، خرده‌فرهنگی یا طبقاتی خودی و در راستای نیل به اهداف و منافع آن فرهنگ، خرده‌فرهنگ یا طبقه انجام می‌دهند. (Appleby, 2010: 425) بر این اساس، رسانه‌ها واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل می‌کنند و آن‌ها را به آحاد یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند. گاهی هدف از این عملکرد آن است که ایده، فکر یا گروهی محکوم شوند. یکی دیگر از تاکتیک‌های رسانه‌ها برای تصویرسازی، تحریک و تشجیع جامعه است. در این روش با شیوه تحریک، چهره بی‌رحم و ضدانسانی از دشمن یا عامل تهدید به نمایش می‌گذارند و با ترسیم چهره‌ای از قربانیان این بی‌رحمی‌ها، سعی می‌کنند روی حالات و رفتار مخاطبان تأثیر بگذارند و با تحریک حس دفاع از دین، نژاد، وطن، افراد یا قومیت، حس تنفر از مخالفان را افزایش دهند.

همان‌طور که گفته شده، نظریه تصویرسازی عمدتاً در رابطه با رسانه‌ها و در قالب مفهوم جنگ نرم بکار برده می‌شود، اما بررسی فعالیت و اقدامات برخی اتاق فکرهای غربی در زمینه اسلام-هراسی نشان می‌دهد که آن‌ها نیز با استفاده از روش‌های ذکرشده تلاش می‌کنند تا تصویر نادرستی از اسلام ارائه دهند. به‌ویژه که به دلیل شأن علمی و جایگاه این نهادها و اعضای آن‌ها به‌عنوان کارشناس، دیدگاه‌های آن‌ها با استقبال و پذیرش بیشتری از سوی جامعه همراه است. ماهیت هر جامعه توسط نخبگان آن تعیین می‌شود. علاوه بر این، اهداف هر جامعه توسط نخبگان آن تعیین و دست‌کاری می‌شود. اسلام‌هراسی را می‌توان به نوعی نتیجه مهندسی نخبگان دانست. بر این اساس، نخبگان بخشی از تحریف‌کنندگان و هراس‌آفرینان طبقه حاکم جامعه هستند که در راستای منافع خود اقدام به ایجاد یا برجسته‌سازی تهدیدی فرضی می‌کنند تا از این طریق به منافع خاص خود دست یابند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۱۸۶)

اسلام‌هراسی در اروپا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر به شدت تشدید شد و در این مقطع حملات و خشونت‌ها علیه مسلمانان بیش از ۱۳ برابر نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافت. میزان و شدت این مسئله به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را موج جدید اسلام‌هراسی (New

Islamophobia) نامید. (یزدان‌پناه و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۹) در شکل‌گیری و گسترش این موج اسلام هراسی سه متغیر تأثیرگذار بوده‌اند؛ نخست اقدامات و فعالیت‌های برخی گروه‌های اسلام‌گرای تندرو مانند گروه‌های سلفی و تکفیری که با اقدامات خود زمینه لازم را برای اسلام هراسی فراهم کرده‌اند. دوم هراس مردم و جوامع غربی از گسترش اسلام و مسلمانان در غرب و عامل سوم دیدگاه‌ها و نظریات متفکرانی مانند فوکویاما (یا هانتینگتون) که زمینه تشدید این شکاف را فراهم می‌سازند. (فرشادگهر، ۱۳۹۴: ۱۸۹-۱۹۱) اما مهم‌تر از این عوامل، چیزی که به جریان اسلام هراسی جهت داده و آن را تشدید کرده است، فعالیت برخی اتاق فکرهای فعال در این زمینه در جوامع غربی است. اهمیت و نقش اتاق فکرها در ترویج اسلام‌هراسی به‌طور مشخص در دوره پس از ۱۱ سپتامبر برجسته شد، زیرا در این مقطع از یک‌طرف اسلام سیاسی به‌عنوان دغدغه و مسئله اصلی سیاستمداران و شهروندان جوامع غربی مطرح شد و از طرف دیگر تلاش برای شناخت و فهم اسلام توسط آنان افزایش یافت.

درواقع، اتاق فکرها و احزاب اروپایی به‌عنوان کاتالیزورهایی عمل کرده‌اند که با عنوان و برچسب کارشناس و اسلام‌شناس خوراک فکری و تبلیغاتی برای اعمال خشونت علیه مسلمانان را در دوره پس از ۱۱ سپتامبر فراهم کرده‌اند. این تبلیغات که با حوادث ۱۱ سپتامبر و خشونت گروه‌هایی مانند القاعده باورپذیر شده بود، بیش از هرکسی مورد استقبال جریان‌های راست‌گرای افراطی قرار گرفت و از طریق آنان تبدیل به خشونت کانالیزه‌شده علیه مسلمانان جوامع غربی - شد. (Lambert and Githens-Mazer, 2010: 85-86)

۳. اسلام هراسی در انگلیس

در حدود ۲/۹ میلیون مسلمان در انگلستان زندگی می‌کنند. در دهه گذشته جمعیت مسلمانان در این کشور رشد بسیاری داشته است. چنانکه در سال ۲۰۰۱، جمعیت مسلمانان در انگلستان ۱/۶ میلیون بود، اما در سال ۲۰۰۵، این رقم تا دو میلیون نفر افزایش یافت. جمعیت مسلمانان انگلستان جوان است و ۵۰ درصد آن‌ها زیر ۲۵ سال هستند. به دلیل سابقه طولانی حضور استعماری انگلستان در آسیا، در حدود دوسوم مسلمانان انگلستان دارای پیشینه و ریشه آسیایی هستند. تقریباً نیمی از این مهاجران پاکستانی، ۲۰ درصد بنگلادشی و تقریباً ده درصد هندی هستند. سایر مسلمانان نیز اهل افغانستان، بوسنی، ایران، ترکیه، قبرس، مالزی و برخی کشورهای افریقایی هستند. تقریباً نیمی از مسلمانان انگلستان در این کشور به دنیا آمده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مسلمانان انگلیس به لحاظ اقتصادی از میانگین ملی در سطح پایین‌تری قرار دارند و نرخ بیکاری در میان آن‌ها بسیار بیشتر از غیرمسلمانان است. مسلمانان در انگلستان به لحاظ اقتصادی، بهداشتی و آموزشی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند. مسلمانان همچنین از بیشترین نرخ بیکاری در میان گروه‌های مذهبی برخوردارند. (صباغیان، ۱۳۹۲: ۷۸-۸۰)

۳-۱. تبعیض علیه مسلمانان در انگلستان

بررسی وضعیت مسلمانان بریتانیا نشان می‌دهد آنان با موارد متعدد تبعیض روبه‌رو می‌شوند و موارد متعددی از حمله به مسلمانان، مساجد و گورستان‌های آن‌ها گزارش شده است. به‌عنوان مثال، در گزارشی که در ژانویه ۲۰۱۰ توسط مرکز پژوهش مسلمانان اروپایی دانشگاه آگستر منتشر شد، نشان می‌داد که تعداد حملات خشونت‌آمیز علیه مسلمانان افزایش یافته و مواردی همچون تهدید به قتل را در برمی‌گیرد. رسانه‌ها و سیاستمداران انگلیسی یکی از عوامل تحریک احساسات ضد مسلمانان در انگلستان محسوب می‌شوند. (Githnes et al, 2010:32) بسیاری از رسانه‌های انگلیسی به دلیل تلاش برای ارائه چهره‌ای منفی از مسلمانان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. پیمایش صورت گرفته در ژانویه ۲۰۱۰ نشان داد که شهروندان انگلیسی در مقایسه با سایر گروه‌های مذهبی در این کشور دیدی منفی نسبت به مسلمانان دارند و تنها یک چهارم آنان با دیدگاهی مثبت به مسلمانان این کشور می‌نگرند. همچنین اکثریت شهروندان انگلیسی با ساخت اماکن مذهبی از جمله مساجد در این کشور مخالف هستند. (Daily Telegraph, 2010)

۳-۲. فعالیت‌های سیستماتیک و شبکه‌ای ضداسلام و مسلمانان

در انگلستان، شبکه‌ای مرتبط و به‌هم‌پیوسته از احزاب، گروه‌ها و اتاق‌های فکر در زمینه اسلام‌هراسی فعال هستند. آن‌ها ضمن آنکه با یکدیگر به طرق گوناگون در ارتباط هستند، با شبکه‌های کلان و گسترده‌تر اسلام‌هراسی در اروپا و آمریکا نیز پیوندهایی دارند. حزب ملی انگلیس، British National Party (BNP) جنبش جهادستیزی (Counter-Jihad Movement) و مجمع دفاعی انگلیس (English Defense League (EDL)) مهم‌ترین گروه‌های فعال در این زمینه هستند که در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند ضمن معرفی اسلام به‌عنوان منشأ ترور و مهم‌ترین تهدید برای مردم انگلیس، دولت و مردم را به مبارزه با گسترش آن تشویق کنند، اما در این میان فعالیت دو اتاق فکر اصلی وابسته به جناح راست انگلستان که در هماهنگی با این گروه‌ها قرار دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تأثیر فراوانی در شکل‌گیری افکار عمومی و جهت دادن به سیاست‌ها در قبال اسلام و مسلمانان داشته است. این دو اتاق فکر عبارت‌اند از مرکز همبستگی اجتماعی (Centre for Social Cohesion (CSC)) و تبادل سیاست.

این اتاق فکرها وانمود می‌کنند که موضعی علمی و روشنگرانه به مسئله گسترش اسلام و تهدید ناشی از آن دارند و به دنبال بیان واقعیت‌ها هستند، اما وقتی صحبت از واکنش نشان دادن به طغیان اسلام‌هراسی به میان می‌آید این اتاق‌های فکر محافظه‌کار نیز خود را تا حدی در مخمصه می‌بینند. از یک طرف آن‌ها می‌خواهند که حزب ملی انگلیس و مجمع دفاعی انگلیس را به خاطر نژادپرستی و خشونت‌هایشان محکوم کنند، و از طرفی می‌خواهند تا وسعت و وجود نژادپرستی ضداسلامی را ناچیز جلوه دهند، زیرا ممکن است این کار سبب منحرف شدن توجهات از «اسلام‌گرایی» شود. ایراد وارده به موضع آن‌ها این است که آن‌ها در نهایت فعالیت‌های سیاسی

صلح‌آمیز گروه‌های مسلمان را محکوم می‌کنند، درحالی‌که شیوه کار خشونت‌آمیز گروه‌های نژادپرست و اسلام‌هراسی چون مجمع دفاعی انگلیس را ناچیز جلوه داده یا حتی توجیه می‌کنند. با نگاه به سوابق انتشاراتی این اتاق‌های فکر می‌توان دریافت که آن‌ها نسبت به تهدید ناشی از «اسلام‌گراها» و به اصطلاح اسلام‌گرایی نهادهای عمومی تا حد امکان اغراق می‌ورزند. (Mills et al, 2011: 9)

در واقع، از دید این اتاق فکرهای راست‌گرا اسلام‌گرایی تهدیدی مشابه تهدید گروه‌های چپ‌گرا است که در دوره جنگ سرد در انگلستان فعال بودند؛ بنابراین، این اتاق فکرها تلاش دارند تا با بزرگنمایی این تهدید بر لزوم مقابله با آن تأکید کنند. بررسی رویکرد موجود در انگلستان در دوره جنگ سرد نسبت به گروه‌های چپ‌گرا و رویکرد فعلی در قبال اسلام‌گرایی در این کشور بیانگر این است که گروه‌هایی با همان ویژگی‌ها و استدلال بار دیگر شکل گرفته‌اند، با این تفاوت که این بار هدف کمونیسم و گروه‌های چپ‌گرا نیستند، بلکه اسلام و مسلمانان است. این اتاق فکرها بر لزوم مبارزه همه‌جانبه با اسلام‌گرایی تأکید کرده و اما می‌کوشند چنین وانمود کنند که تجارب اسلام‌هراسی و تبعیض نسبت به مسلمانان انگلیس صرفاً افسانه است. (Mills et al, 2011: 9-10)

مرکز همبستگی اجتماعی به‌عنوان یک اتاق فکر محافظه‌کار و به‌عنوان پروژه‌ای از موسسه مطالعات اجتماعی^۱ در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد و بر موضوعاتی که این موسسه قبلاً به آن می‌پرداخت متمرکز شد. این مؤسسه در سال ۲۰۰۳ گزارشی با عنوان «غرب، اسلام و اسلام-گرایی: آیا اسلام ایدئولوژیکی با دموکراسی لیبرال سازگار است؟»^۲ منتشر کرده و در آن ادعا کرد که تروریسم اسلامی تنها بخشی از یک چالش ایدئولوژیکی گسترده‌تر است که با فعالیت‌های تبلیغاتی کمونیسم در دوره جنگ سرد قابل‌مقایسه است. (Cox and Marks, 2003:9) مرکز همبستگی اجتماعی نیز در همین راستا اولین گزارش جامع خود را با عنوان «نفرت از دولت: کتابخانه‌های بریتانیایی چگونه افراط‌گرایی را تشویق می‌کنند؟»^۳ منتشر کرد و در آن منطقه‌ای از لندن را که در شرق این شهر قرار دارد^۴ و تعداد زیادی از مسلمانان را در خود جای داده است، به خاطر نگهداری صدها کتاب و نوار صوتی توسط مسلمانان در کتابخانه‌ها، که از نظر آن‌ها مروج خشونت است انتقاد کرد. ادعای این گزارش این بود که چنین منابعی خشونت و افراط‌گرایی را ترویج می‌کند؛ بنابراین، باید از کتابخانه‌ها حذف شوند. (Brandon and Murray, 2007: 29) این موسسه همچنین در گزارشی با عنوان «سطحی از نفوذ»^۵ که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، دانشگاه‌ها را در این زمینه مورد انتقاد قرار داد و از اختصاص دادن منابع مالی برای مطالعه اسلام

1. The Institute for the Study of Civil Society(Civitas)

2. The 'West', Islam and Islamism: Is ideological Islam compatible with liberal democracy?

3. Hate on the State: How British Libraries Encourage Extremism

4. The London Borough of Tower Hamlets

5. A Degree of Influence

در دانشگاه‌ها شکایت کرد. ادعای اصلی این گزارش این بود که دانشگاه‌ها برخی از جنبه‌های مهم اسلام را که مروج خشونت و افراطی‌گری است سانسور می‌کنند، اما این گزارش سندی برای ادعای خود ارائه نداد. در هر صورت، تمام گزارش‌ها و فعالیت‌های این موسسه در راستای بزرگنمایی تهدید ناشی از اسلام‌گرایی و مقایسه آن با جریان کمونیسم در دوره جنگ سرد و همچنین لزوم اتخاذ یک سیاست برای مقابله جامع و کلان با آن بود. (Mills et.al, 2011: 4-5)

۴. نقش و کارکرد اتاق فکر تبادل سیاست در انگلستان

اتاق فکر تبادل سیاست توسط گروهی از اعضای محافظه‌کار پارلمان انگلستان در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد که از مایکل پورتیلو^۱ برای رهبری حزب محافظه‌کار در سال ۲۰۰۱ حمایت می‌کردند. هدف این گروه مدرن سازی حزب محافظه‌کار بود. بعد از کناره‌گیری پورتیلو از رقابت برای رهبری حزب، گروه به مأموریت خود برای مدرن سازی حزب محافظه‌کار ادامه داد و دو اتاق فکر مرتبط را نیز در این زمینه تأسیس کرد: اتاق فکر ایکس چنج^۲ که بعداً تبدیل به پالیسی اکسچنج (تبادل سیاست) شد، و اتاق فکر C Change یا محافظه‌کاران برای تغییر^۳. اتاق فکر تبادل سیاست در روز ۲۹ آوریل ۲۰۰۲ فعالیت خود را در لندن به طور رسمی آغاز کرد. این مرکز اگرچه پیوندهای نزدیک خود را با حزب محافظه‌کار حفظ کرد، اما به طور رسمی به صورت مستقل فعالیت می‌کرد و از نظر مالی نیز توسط شرکت‌ها، مؤسسات و افراد ثروتمند تأمین می‌شد. (www.policyexchange.org)

اولین متولیان این مرکز فرانسیس مائود^۴ و دیوید ویلتز^۵ از نمایندگان محافظه‌کار مجلس بریتانیا بودند. آن‌ها پس از دو ماه استعفا دادند و جای آن‌ها را کسانانی گرفتند که پیوندهای آشکار کمتری با حزب محافظه‌کار داشتند. یکی از این افراد مایک گوو^۶ بود که اولین رئیس مرکز شد. نیکلاس بولز^۷ نیز در کنار گوو از اعضای مهم مرکز بود. این دو نفر عضو گروهی از جوانان محافظه‌کار بودند که بعداً مجموعه ناتینگ هیل^۸ نامیده شد و افرادی مانند آلیس تامسون^۹، جورج اوسبورن^{۱۰} اوسبورن^{۱۰} و دیوید کامرون^{۱۱} نیز از مهم‌ترین اعضای آن بودند. این مجموعه از ضرورت بازتعریف

1. Michael Portillo

2. X Change

3. Conservatives for Change

4. Francis Maude

5. David Willets

6. Michael Gove

7. Nicholas Boles

۸. Notting Hill Set: مجموعه ناتینگ هیل به گروهی غیررسمی از چهره‌های جوان که در موقعیت‌های مهم رهبری در

در حزب محافظه‌کار قرار دارند و همچنین حلقه‌ای از مشاوران رهبر حزب اشاره دارد.

9. Alice Thomson

10. George Osborne

11. David Cameron

حزب محافظه‌کار آگاه بودند و با همدیگر برای توسعه یک رویکرد سیاسی جدید که الهام گرفته از نوعی محافظه‌کاری مشفقانه^۱ مطرح شده توسط جورج دبلیو بوش بود، تلاش می‌کردند. (Osborne, 2004)

در حال حاضر گودسون دبیر این مرکز است و اگرچه این اتاق فکر خود را یک نهاد مستقل معرفی کرده و مسئولان آن ادعا می‌کنند که دوسوم هزینه‌های این مرکز از طریق کمک‌های اعطاشده توسط افراد و شرکت‌های مختلف تأمین می‌شود، اما بیشتر افراد و مؤسساتی که حامی مالی این مرکز بوده‌اند، با حزب محافظه‌کار در بریتانیا مرتبط هستند. (Mills et.al, 2011: 57-62)

این مرکز ابتدا یک اتاق فکر کوچک بود، اما از زمان رهبری دیوید کامرون بر حزب محافظه‌کار در سال ۲۰۰۵ دامنه فعالیت و اعضاء آن گسترش یافت. این مرکز بر حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، آموزش، جرائم، سیاست خارجی و امنیت، انرژی و محیط‌زیست، بهداشت و اقتصاد متمرکز است. تحقیق این اتاق فکر درباره اسلام بخشی از واحد سیاست خارجی و امنیتی^۲ آن است. این واحد اساساً به‌عنوان برنامه بین‌المللی اتاق فکر شناخته شده و توسط آنارید^۳ که یک روزنامه‌نگار بود، هدایت می‌شد. (www.policyexchange.org)

فعالیت‌ها و انتشارات اولیه این مرکز که بر تروریسم، تغییر رژیم و دیگر موضوعات سیاست خارجی متمرکز بود، تمایلی به بحث درباره افراطی‌گری در داخل بریتانیا نداشت. این گرایش بعد از اینکه دین گودسون^۴ در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان مدیر پژوهش امور بین‌المللی منصوب شد، به وجود آمد. سوابق عملی و خانوادگی گودسون بیانگر پیوند او با تبلیغات و فعالیت رسانه‌ای بود. در دوره فعالیت وی، واحد امور بین‌الملل به مطالعات خود در زمینه امور گوناگون بین‌المللی ادامه داد، اما تمرکز تحقیقاتی آن تقریباً به‌طور کامل بر روی مسلمانان بریتانیا منتقل شد. انتشارات واحد سیاست خارجی و امنیتی علی‌رغم نام خود نه بر سیاست خارجی تمرکز داشت و نه بر امنیت. اگرچه کارهایی در زمینه مقابله با تروریسم صورت گرفت، اما موضوع اصلی حمایت از شهروندان در برابر خشونت نبود، بلکه بازتعریف و بازتولید ارزش‌های غربی در برابر افراطی‌گری در محور توجه قرار گرفت. (Mills et.al, 2011: 44-45)

۱. Compassionate Conservatism: محافظه‌کاری مشفقانه یا دلسوزانه یک فلسفه سیاسی است که بر استفاده از روش‌ها و مفاهیم سنتی محافظه‌کاری برای تقویت رفاه عمومی جامعه تأکید می‌کند. این مفهوم به Doug Wead مورخ و سیاستمدار آمریکایی در قرن بیستم نسبت داده می‌شود. جورج دبلیو بوش نیز از این مفهوم برای توصیف دیدگاه سیاسی خود استفاده کرد.

2. Foreign Policy & Security Unit
3. Anna Reid
4. Dean Godson

۵. اتاق فکر تبادل سیاست و گسترش اسلام هراسی

اتاق فکر تبادل سیاست در حدود یک دهه اخیر تلاش کرده است تا با روش‌هایی مانند بزرگنمایی تهدید ناشی از جانب اسلام و مسلمانان، تحریف اصول و احکام اسلامی، پیوند زدن اسلام به تروریسم و تعریف آن به‌عنوان یک چالش امنیتی، ضمن اینکه به نگرش عمومی جامعه درباره اسلام شکل دهند سیاست‌ها و قوانین دولتی را با هدف مهار اسلام و مسلمان جهت‌دهی کنند. در ادامه به مهم‌ترین اقدامات این اتاق فکر در این راستا اشاره خواهد شد.

۵-۱. ترویج ایده ضرورت نظارت و کنترل بیشتر بر مسلمانان

مرکز تبادل سیاست اولین گزارش خود را در جولای ۲۰۰۶ با عنوان «وقتی ترقی خواهان با واپس‌گرایان بحث می‌کنند»^۱ و به قلم مارتین برایت^۲ منتشر کرد. برایت یک روزنامه‌نگار بود که نسبت به اسلام کینه خاصی داشت و در سال ۲۰۰۱ مقاله‌ای را علیه قران برای مجله دولتمرد جدید^۳ نوشت. این گزارش در تاریخ اول جولای و در آستانه مراسم اولین سالگرد بمب‌گذاری‌های لندن که در ۷ جولای ۲۰۰۵ رخ داده بود، منتشر شد. این گزارش، تعدادی از مقالات برایت درباره رابطه دولت بریتانیا با گروه‌های مسلمان را در برمی‌گرفت. برایت وزارت خارجه بریتانیا را متهم کرد که سیاست دلجویی را در قبال اسلام رادیکال دنبال می‌کند و این مسئله می‌تواند پیامدهای ناگواری برای بریتانیا در پی داشته باشد. (Bright, 2006: 12) پس از این، گزارش‌های دیگری نیز با هدف نشان دادن شواهدی مبنی بر افراطی‌گری در بین مسلمانان بریتانیا و تشویق دولت به اعمال نظارت شدیدتر بر برخی گروه‌ها، افراد و جوامع مسلمان منتشر شد. مهم‌ترین این گزارش‌ها در اکتبر ۲۰۰۷ منتشر شد با عنوان «ربودن اسلام بریتانیا: چگونه ادبیات افراطی‌گری دارد بر مساجد بریتانیا تسلط پیدا می‌کند»^۴ این گزارش توسط دنیس مک‌وین^۵ که نویسنده رمان‌های جنایی و داستان‌های مربوط به روح است و زمینه مطالعات مذهبی به‌ویژه درباره بهائیت نیز دارد، و با نظارت گودسون نوشته شد.

این گزارش ادعا می‌کند که در یک دوره بیش از شش‌ماهه، ۴ تیم تحقیقاتی، ۹۵ نهاد اسلامی، عمدتاً مساجد، را مورد بازدید قرار داده‌اند تا میزان رواج ادبیات مربوط به جدایی‌گرایی مسلمانان و نفرت آنان از غیرمؤمنین را در این نهادها بررسی کنند. (MacEoin, 2007: 5) این گزارش ادعا

1. When Progressives Treat with Reactionaries

2. Martin Bright

3. New Statesmen

4. The Hijacking of British Islam: How Extremist Literature is Subverting Mosques in the UK

5. Denis MacEoin

می‌کند که ادبیات مربوط به جدایی‌گرایی و نفرت با نام اسلام به‌طور گسترده در بریتانیا یافت می‌شود. (MacEoin, 2007: 13) و خواستار این است که مساجد فعالیت خود را مشخص کنند و موضوع مقررات جامع‌تری باشند که هدف آن ایجاد یک استاندارد برای اسلام میانه‌رو است. در این گزارش ادعا شد که مجموعه ۸۰ کتاب و جزوه تهاجمی یافت شده است که عمدتاً دربرگیرنده ادبیات تهاجمی هستند. اگرچه بیشتر این موارد جمع‌آوری شده از وجود خشونت حمایت نمی‌کرد، اما گزارش استدلال می‌کرد این ادبیات با تأکید بر جدایی از غیرمسلمانان، فضای ایدئولوژیکی را ایجاد کرده است که توسط کسانی که برای انجام حملات تروریستی علیه غرب آمادگی دارند، می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد. (MacEoin, 2007: 6-7)

این گزارش هم‌زمان با دیدار پادشاه عربستان سعودی از بریتانیا منتشر شد و در روزنامه‌ها و رسانه‌های بریتانیا انعکاس زیادی یافت، اما شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی در قالب برنامه شب خبر^۱ به بررسی درستی داده‌های این گزارش پرداخت و درنهایت اعلام کرد که داده‌های این گزارش ساختگی هستند. پس از آنکه یکی از مساجد ذکرشده در گزارش از وصول فرم در این زمینه اعلام بی‌خبری کرد، شبکه بی‌بی‌سی به بررسی همه فرم‌های فرستاده‌شده توسط مرکز تبادل سیاست پرداخت. کارشناس این شبکه درباره ۵ مورد از فرم‌ها، مواردی را مطرح کرده و پیتربارون^۲ سردبیر وقت بی‌بی‌سی در این زمینه اعلام کرد که: ۱. در تمامی ۵ مورد، مساجدی که از آن‌ها در گزارش نامبرده شده است در این زمینه اعلام بی‌خبری کرده‌اند؛ ۲. تجزیه و تحلیل کارشناس نشان داد که همه این ۵ مورد از جوهر یک پرینتر چاپ شده‌اند که این موضوع بیانگر این است که در یک کامپیوتر شخصی ساخته شده‌اند؛ ۳. تجزیه و تحلیل نشان داد که دو تا از فرم‌ها توسط یک فرد نوشته شده بودند. (Barron, 2007) پس از این ماجرا، گزارش از وبسایت مرکز تبادل سیاست حذف شد.

۵-۲. امنیتی کردن اسلام و اسلام‌گرایی

گزارش دیگر مرکز تبادل سیاست، با عنوان «زندگی جدا با هم»^۳ چند ماه قبل از گزارش «ربودن اسلام بریتانیا: ...» منتشر شد. نویسندگان این گزارش خانم منیرا میرزا^۴ از فعالان چپ‌گرای سابق در بریتانیا و دو نفر دیگر از محققان مرکز بودند. آن‌ها در این گزارش ادعا می‌کنند که رشد اسلام نه تنها یک مسئله امنیتی است، بلکه یک مشکل فرهنگی نیز هست. (Mirza et al, 2007: 15)

نویسندگان این گزارش بیش از هر چیز دغدغه حفظ انسجام و ارزش‌های جامعه بریتانیا را دارند و استدلال می‌کنند که تأکید بیش از حد بر روی امنیت عمومی و مبارزه با تروریسم ممکن است

1. Newsnight

2. Peter Barron

3. Living Apart Together

4. Munira Mirza

باعث نادیده گرفته شدن اهمیت ارزش‌ها و اصول سیاسی شود. بر این اساس، آن‌ها معتقدند که باید علیه این منطق که هر سیاستی تا زمانی خوب است که تهدید تروریسم را کاهش می‌دهد، موضع گرفت. جامعه‌ای که امنیت خود را بر همه چیز دیگر ترجیح دهد، ارزشی برایش باقی نمی‌ماند. (Mirza et al, 2007: 19-21)

این تصور که تأکید بیش از حد دولت بریتانیا بر تهدیدات امنیتی و تروریستی باعث غفلت از تهدیدات سیاسی و فرهنگی شده است، در گزارش دیگر این مرکز با عنوان «دوستانمان را عاقلانه انتخاب کنیم: معیار تعامل با گروه‌های مسلمان»^۱ که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، پررنگ‌تر شده و با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان این گزارش، حکومت حزب کارگر را به دلیل تأکید بیش از حد بر امنیت سخت و تقویت قانون و قرار دادن آن در صدر همه موضوعات انتقاد کردند. آن‌ها استدلال کردند که دولت باید تمرکز خود را از جلوگیری از افراطی‌گری خشونت‌آمیز به سمت مقابله با آن چیزی که «رادیکالیسم غیر خشن»^۲ نامیده می‌شود و دارد ایدئولوژی دشمنی با ارزش‌های غربی را به خورد جوانان می‌دهد، تغییر دهد. (Maher and Frampton, 2009: 62)

این گزارش توسط شیراز ماهر^۳ و مارتین فرمیتون^۴ به نگارش درآمده است که قبلاً نیز سابقه همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به محافظه‌کاران در بریتانیا را داشته‌اند. گزارش با تأکید بیشتری در مقایسه با کارهای قبلی مرکز به لزوم دفاع از ارزش‌های مشترک می‌پردازد و حکومت را به اتخاذ یک سیاست جامع و کلان در مقابله با گسترش ایدئولوژی‌هایی مانند اسلام فرامی‌خواند و از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی می‌خواهد که تمرکز بیشتری بر این موضوع داشته باشند. (Maher and Frampton, 2009: 62)

۳-۵. تهدید معرفی کردن اسلام و مسلمانان

کار بعدی این مرکز در راستای سیاست بزرگنمایی تهدید ناشی از رشد اسلام‌گرایی در سال ۲۰۱۰ با عنوان «مدارس دینی که ما می‌توانیم به آن باور داشته باشیم: اطمینان از اینکه بردباری و ارزش‌های دموکراتیک در هر بخشی از نظام آموزشی بریتانیا پذیرفته می‌شود»^۵ منتشر شد. همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، این گزارش استدلال می‌کند که مدارس دینی و به‌ویژه مدارس رایگانی که دولت دایر کرده است می‌توانند تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک باشند. این گزارش ادعا می‌کند که سازمان‌های افراطی فراملی ممکن است درصدد این باشند که به‌طور پنهانی مدارس بریتانیا را تحت تأثیر قرار داده یا اقدام به تأسیس مدرسی در این کشور کنند؛

1. Choosing Our Friends Wisely: Criteria for Engagement with Muslim Groups

2. non-violent radicals

3. Shiraz Maher

4. Martyn Frampton

5. Faith Schools We Can Believe In: Ensuring that Tolerant and Democratic Values are Upheld in Every Part of Britain's Education System

بنابراین، یک رژیم بازرسی قوی تر نیاز است تا با تهدید واقعی ناشی از جانب افراطی‌گری غیر خشونت‌آمیز^۱ مقابله شود. (Bald et al, 2009: 50)

این گزارش نیز مانند گزارش قبلی، نهادهای اطلاعاتی بریتانیا به‌ویژه MI5^۲ را متهم می‌کند که توجه زیادی به این مسئله ندارد. اگرچه نویسندگان گزارش ادعا می‌کنند که نگرانی آن‌ها درباره رشد افراطی‌گری در مدارس صرفاً مربوط به مدارس مذهب خاصی نمی‌شود و درباره تمام مذاهب صدق می‌کند، اما تأکید و تمرکز آن‌ها بیش از هر چیز بر مدارس اسلامی است. درحالی‌که تنها ۳۳ بار به مسیحیت و مسیحیان، ۲۰ بار به یهود و یهودیان و ۵ بار به آیین هندوئیسم در گزارش اشاره شده است، اسلام و مسلمانان ۱۳۸ بار مورد ارجاع قرار گرفته‌اند. (Mills et.al, 2011: 51) در صفحه ۷ گزارش آمده است:

«مشکلات بالقوه می‌تواند در تمامی مدارس دینی وجود داشته باشد، اما نگرانی ویژه‌ای درباره برخی نهادهای مشخص اسلامی وجود دارد. این نگرانی‌ها شامل وابستگی افراد حاضر در این مدارس با سازمان‌های افراطی فراملی، تقویت ایده‌هایی که با ارزش‌های بنیادین عدم خشونت در تضاد هستند، و انکار برتری دموکراسی سکولار به‌عنوان ابزاری برای قانون‌گذاری می‌شوند.» (Bald et al, 2009: 50)

نویسندگان راه‌هایی را برای کنترل و نظارت مؤثرتر بر این مدارس پیشنهاد می‌دهند که چندان با اصول و ارزش‌های دموکراتیک همخوانی ندارد و به بهانه مقابله با رشد افراطی‌گری اصول و مبانی آزادی و حقوق فردی را نادیده می‌گیرد.

۴-۵. ترویج ایده جدایی منافع و ارزش‌های مسلمانان از جامعه بریتانیا

کار آخر اتاق فکر تبادل سیاست در راستای اسلام‌هراسی و بزرگنمایی رشد اسلام‌گرایی در بریتانیا، گزارشی است با عنوان «گره‌هایی که به هم مرتبط‌اند: چگونه قصه سربازان مسلمان بریتانیا می‌تواند یک هویت ملی را جعل کند»^۳ که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. این کار نیز توسط «ماهر» نوشته شد.

این گزارش این موضوع را مطرح می‌کند که اگرچه مسلمانان در طول دهه‌های گذشته خدمات ارزنده‌ای به نیروهای مسلح بریتانیا داشته‌اند، اما در طول سال‌های اخیر به دلیل تقابل ارزش‌های اسلامی مطرح‌شده در جامعه بریتانیا و جریان‌های راست‌گرای افراطی، این سربازان در یک وضعیت دوگانه گرفتار آمده‌اند و ممکن است نتوانند مانند گذشته به خدمات صادقانه خود در ارتش ادامه دهند. (Maher, 2011: 6) نویسنده ابتدا به شرح خدمات و فعالیت‌های سربازان

1. non-violent extremism

۲. MI5 (Military Intelligence, Section 5): بخشی از سیستم امنیتی و اطلاعاتی بریتانیا است که به عرصه امنیت داخلی و اقدامات ضد جاسوسی می‌پردازد.

3. Ties that Bind: How the story of Britain's Muslim Soldiers can forge a national identity

مسلمان در ارتش بریتانیا در جنگ جهانی اول و دوم می‌پردازد و پس از آن با اشاره به تحولات اخیر و گسترش ایده تهدید ناشی از اسلام افراطی، از رشد بدبینی به جوانان مسلمان، و مانع‌تراشی برای ورود آنان به ارتش بحث می‌کند. به ادعای نویسنده، عدم وفاداری و پایبندی به اصول و منافع ملی از سوی برخی از سربازان مسلمان به‌ویژه در نبرد با گروه‌های اسلامی باعث شده است که این بدبینی نسبت به آنان تقویت شود. با این حال، نویسنده پیشنهاد می‌کند که موانع عضویت مسلمانان در ارتش و نیروی دریایی سلطنتی برداشته شود و به این طریق به آنان فرصت داده شود که ضمن احساس تعلق خاطر ملی، از ایده‌ها و آموزه‌های اسلامی با هدف خلق هویتی جداگانه در داخل خاک بریتانیا دور شوند. (Maher, 2011: 73-77)

اگرچه نمی‌توان تنها دلیل و محرک اسلام‌هراسی را خشونت و تبعیض علیه مسلمانان در بریتانیا را اتاق فکر تبادل سیاست دانست، اما واقعیت این است که در نتیجه اقدامات این اتاق فکر و گروه‌های مشابه آن در انگلیس، میزان هراس و خشونت علیه مسلمانان در یک دهه اخیر افزایش یافته است. بر اساس آمار مسلمانان بیش از طرفداران سایر ادیان در این کشور به خاطر مذهب خود مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. از بین کسانی که طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ به دلیل تعلقات مذهبی خود مورد حمله و جرم و جنایت واقع شده‌اند، حدود ۵۲ درصد مسلمان بوده‌اند. (Copsey et al, 2013: 7)

پس از ظهور داعش، موج اسلام‌هراسی به‌طور کلی در کشورهای غربی و به‌طور خاص در بریتانیا تشدید شد. بنا بر گزارش اسلام‌هراسی در اروپا که سال گذشته منتشر شد، اکثریت جوامع کشورهای غربی با هرگونه مهاجرت مسلمانان به کشور خود مخالف هستند. بر طبق این گزارش، ۴۷ درصد مردم بریتانیا اعلام کرده‌اند که با هرگونه مهاجرت مسلمانان به کشور خود مخالف هستند. (European Islamophobia Report, 2016: 6) همچنین، بر اساس گزارش گروه اندازه‌گیری حملات مبتنی بر نفرت علیه مسلمانان^۱ که از سال ۲۰۱۲ با حمایت دولت بریتانیا برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات درباره حملات صورت گرفته علیه مسلمانان در این کشور ایجاد شد، در سال ۲۰۱۵ حملات مبتنی بر نفرت علیه مسلمانان ۳۲۶ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته بود. بر طبق این گزارش، بیشتر قربانیان حملات صورت گرفته را زنان مسلمان تشکیل می‌دهند که به دلیل نوع پوشش و ظاهر آن‌ها تشخیص مسلمان بودنشان برای مهاجمان راحت‌تر است. (TELL MAMA, 2015: 32)

اما نفرت و خشونت علیه مسلمانان بریتانیا تنها به شهروندان این کشور محدود نمی‌شود و در یک دهه اخیر برخی گروه‌ها و احزاب سیاسی این کشور به‌طور علنی و آشکار بر خطر ناشی از گسترش اسلام و ضرورت مبارزه با آن تأکید کرده‌اند. مهم‌ترین حزب راست افراطی بریتانیا یعنی

1. Measuring Anti-Muslim Attacks (Tell MAMA)

حزب ملی بریتانیا^۱ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به‌ویژه پس از حوادث تروریستی لندن در سال ۲۰۰۵، کمپین‌های متعددی را علیه مسلمانان این کشور به راه انداخته است. بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر این حزب جزوه‌ای با عنوان «حقیقت درباره ا.س.ل.ا.م»^۲ منتشر کرد که در آن حروف کلمه اسلام برگرفته از حرف اول واژه‌های تعصب، کشتار، غارت، به آتش کشیدن و ایجاد مزاحمت برای زنان^۳ در زبان انگلیسی بود. نیک گریفین رئیس وقت این حزب، اسلام را به‌عنوان «دینی شیطانی و شرور» توصیف کرد. (Copsey et al, 2013: 7) علاوه بر این، جنبش «اتحاد دفاع از انگلیس»^۴ که از سال ۲۰۰۹ شکل گرفت، یکی از مهم‌ترین دشمنان مسلمانان در جامعه بریتانیا بوده است. این جنبش به‌طور علنی و آشکار هدف خود را مبارزه با گسترش اسلام و شریعت در این کشور معرفی می‌کند. این جنبش بر اساس این باور شکل گرفت که اسلام و مسلمانان سبک زندگی مسیحی-انگلیسی را به چالش کشیده‌اند. این جنبش اسلام را به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی تمامیت‌خواه معرفی می‌کند و خواستار دفاع از فرهنگ انگلیسی و مقابله با سیاستمدارانی است که اجازه می‌دهند فرهنگ‌های دیگر به‌ویژه اسلام در این کشور مسلط شوند. (Cleland et al, 2017: 1-17) حزب استقلال بریتانیا یا یوکیپ^۵ نیز در مورد اسلام‌ستیزی و مقابله با گسترش اسلام در بریتانیا نگرانی مشترکی با دو گروه ذکر شده دارد و یکی از مهم‌ترین محورهای این حزب در کنار مخالفت با اتحادیه اروپا، چندفرهنگ‌گرایی و مهاجرت، مخالفت با اسلامی شدن بریتانیا است.

تحولات مذکور باعث تشدید نگرانی درباره تبعیض و خشونت علیه مسلمانان بریتانیا هم در بین مسلمانان ساکن این کشور و هم مقامات دولت بریتانیا شد. در همین راستا، سال ۲۰۱۴ کنفرانسی در لندن با عنوان «نهادسازی اسلام هراسی؛ بررسی نژادپرستی دولتی و مهندسی اجتماعی جامعه مسلمان انگلیس»^۶ برگزار شد که در آن شرکت‌کنندگان ضمن ابراز نگرانی از گسترش موج اسلام هراسی در بریتانیا آن را به‌عنوان پروژه‌ای که توسط اتاق فکرها و نهادهای دولتی سازمان‌دهی می‌شود تلقی کردند. (IHRC, 2014) با این حال، اقدامات اتاق فکر تبادل سیاست و سایر مراکز مشابه نه تنها کاهش نیافته، بلکه همان‌طور که گفته شد با استفاده از فضای پس از به وجود آمدن داعش و استفاده از نگرانی و ترس مردم بریتانیا از این مسئله به‌نوعی تشدید شده است.

مرکز تبادل سیاست در سال ۲۰۱۶ نتایج یک نظرسنجی جامع را که به ادعای خود جامع‌ترین نظرسنجی از مسلمانان بریتانیا بود با عنوان «تعلق مغشوش: یک نظرسنجی از جوامع مسلمان

-
1. British National Party (BNP)
 2. The Truth about I.S.L.A.M
 3. Intolerance, Slaughter, Looting, Arson and Molestation of women
 4. The English Defence League
 5. The UK Independence Party
 6. Institutional Islamophobia: A conference to examine state racism and social engineering of the Muslim community

بریتانیا^۱ منتشر کرد. اگرچه با توجه به ماهیت این گزارش که عمدتاً بازتاب‌دهنده نظرات و دیدگاه‌های مسلمانان است، به‌طور مستقیم اشاره‌ای به تهدید ناشی از جانب مسلمانان نشده است و این مرکز برخلاف گزارش‌های قبلی در این زمینه صراحت ندارد، اما نحوه تنظیم و چینش سؤالات به‌گونه‌ای است که انگاره‌های ذکرشده در بالا را تقویت می‌کند. اگرچه پاسخ مسلمانان به سؤالات مطرح‌شده در این گزارش بیانگر مخالفت آنان با افراطی‌گری و اقدامات تروریستی است، اما عمده‌ترین مضمونی که در این گزارش نهفته است، تأکید بر این مسئله است که مسلمانان بریتانیا گرایش جدایی‌طلبانه دارند. بر این اساس، در فصل مربوط به بحث ادغام^۲ در گزارش مذکور سؤالات به‌گونه‌ای طراحی شده است که نشان دهد مسلمانان خواستار گسترش شریعت و قوانین اسلامی در این کشور هستند. (Frampton et al, 2016: 42-45) همچنین، در فصل بعدی که به بررسی نظرات مسلمانان درباره مسائل مربوط به آموزش اختصاص دارد، تلاش می‌شود تا این حس جدایی‌طلبی مسلمانان در قالب تمایل آنان برای فرستادن فرزندان خود به مدرسه‌هایی که ارزش‌های اسلامی در آن‌ها رواج دارد (۵۳ درصد) یا مدارسی که فرزندان آن‌ها بتوانند در آن حجاب خود را رعایت کنند (۴۴ درصد)، بازتاب داده شود. (Frampton et al, 2016:51-53)

شورای مسلمانان بریتانیا^۳ به‌شدت این گزارش را مورد انتقاد قرار داد و اعلام کرد این گزارش به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم شده است که مسلمانان بریتانیا را خطرناک و جدا از بقیه مردم این کشور نشان دهد. (Muslim Council of Britain (MCB), 2016) اگرچه همان‌طور که اشاره شد در مقایسه با گزارش‌های قبلی این مرکز، گزارش سال ۲۰۱۶ چندان دارای جانب‌داری و مضمون ضدیت با مسلمانان به‌طور علنی و آشکار نبود، اما با طرح مسائل حساسیت‌برانگیز و سؤالات جهت‌دار بار دیگر تلاش شد تا موضوع مسلمانان در این کشور برجسته شده و تفاوت‌های آنان بازگو شود. درواقع، مرکز تبادل سیاست با انتشار این گزارش به نوعی خوراک تبلیغاتی شبکه اسلام‌هراسی را در بریتانیا فراهم کرد. به‌عنوان مثال، سازمان کریستین کانسر^۴ در بریتانیا که به دنبال مسیحی کردن قانون، سیاست و فرهنگ در بریتانیا است و یکی از مهم‌ترین مخالفان خود را اسلام می‌داند، در گزارشی با استناد به نظرسنجی انجام‌شده توسط مرکز تبادل سیاست، اسلام و مسلمانان را چالش مهمی برای جامعه و فرهنگ بریتانیا معرفی کرده و راهکارهای مقابله با این وضعیت را نیز توضیح داده است. (Dieppe, 2017: 10-16).

نتیجه‌گیری

1. Unsettled Belonging: A survey of Britain's Muslim communities
2. Integration
3. The Muslim Council of Britain (MCB)
4. Christian Concern

اتاق فکر تبادل سیاست و سایر اتاق فکرهای فعال در بریتانیا در زمینه اسلام و مسلمانان بریتانیا ادعا می‌کنند که به دنبال تحلیل بی‌طرف و صرفاً علمی مسئله هستند تا از بروز مشکلات در جامعه بریتانیا و همچنین برای مسلمانان این کشور جلوگیری کنند، اما اقدامات آنان در عمل تنها یک جنبه دارد و آن پرداختن به مسئله رشد اسلام و هویت خواهی مسلمانان در این جوامع است. این مؤسسات اقدامات مسلمانان را در این زمینه بزرگنمایی کرده و نسبت به پیامدهای خطرناک آن هشدار می‌دهند.

فعالیت این مؤسسات از دو بعد قابل نقد است؛ نخست اینکه آنان در گزارش‌ها و بررسی‌های خود چندان اشاره‌ای به شرایط دشوار و تبعیضات صورت گرفته علیه مسلمانان نمی‌کنند و در پی ریشه‌یابی تمایل آنان به هویت و مذهب خود بر نمی‌آیند. نکته دوم و مهم‌تر اینکه این مراکز نه تنها اشاره‌ای به مسئله اسلام‌هراسی که به صورت یک برنامه سازمان‌دهی شده با ساختار شبکه‌ای در اروپا و امریکا صورت می‌گیرد و باعث خشونت و تبعیض علیه مسلمانان می‌شود، نمی‌کنند، بلکه خود نیز در این مسیر افتاده و با تحریف واقعیت و داده‌سازی به پروژه اسلام‌هراسی کمک می‌کنند. حزب اتحاد ملی انگلیس، جنبش جهادستیزی و مجمع دفاعی انگلستان از مهم‌ترین احزاب و گروه‌های تندرو هستند که به ترویج و تبلیغ خشونت علیه مسلمانان مبادرت کرده‌اند، اما در مطالعات و گزارش‌های این مؤسسات نامی از آن‌ها و اقداماتشان برده نمی‌شود. معیارهای متناقض موجود در قلب رویکرد اتخاذشده توسط «تبادل سیاست» و «مرکز همبستگی اجتماعی» نشان می‌دهد که هر سیاست‌گذار یا سیاست‌مدار علاقه‌مند به امنیت عمومی و سلامتی نظام دموکراتیک باید دریابد که عقاید اسلام‌هراسی تنها محصول خشونت گروه‌های راست‌گرای افراطی نیست، بلکه می‌تواند توسط اتاق‌های فکر نیز پرورش یابد.

کتاب‌نامه

الف- کتب

۱. صباغیان، علی، ۱۳۹۲، شکست چندفرهنگ‌گرایی و مسلمانان اروپا، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲. کاستلز، امانویل، ۱۳۸۰، عصر اطلاعات؛ قدرت و هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
۳. گلشن‌پژوه، محمودرضا، ۱۳۹۰، جنگ نرم (۶): ویژه جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

ب- مقالات

۴. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۷)، «دو چهره اسلام هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، فصلنامه رسانه، سال بیستم، شماره ۳، صص ۲۹-۴۳.

۵. ذوالفقاری، محمد، (۱۳۹۳)، «هراس اخلاقی، رهیافتی برای فهم شیعه هراسی»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۹۴.
۶. فرشادگهر، ناصر، (۱۳۹۴)، «پگیدا، شارلی ابدو... پروژه اسلام‌هراسی یا گفت‌وگو با فوکویاما»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۸۵-۱۹۳.
۷. مرشدی‌زاد، علی؛ زاهدغفاری، هشیجین، (۱۳۸۶)، «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، مجله دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۹.
۸. یزدان‌پناه، محمد؛ عیسی‌نژاد، محمد؛ نجات‌پور، مجید، (۱۳۹۱)، «هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان: پیامدها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۴۳.

ج- انگلیسی

9. Appleby, Nicholas (2010), "Labelling the innocent: how government counterterrorism advice creates labels that contribute to the problem", *Critical Studies on Terrorism*, Vol. 3, No. 3, pp 421-436
10. Bald, John and Alice Harber, Neal Robinson and Elena Schiff (2009), "Faith Schools We Can Believe In: Ensuring that tolerant and democratic values are upheld in every part of Britain's education system" available at: <http://www.policyexchange.org.uk/publications/category?cat=17>
11. Bayrakli, E., & Hafez, F. (Eds.). (2016, March). *European islamophobia report 2015*. SETA. Available at: http://www.islamophobiaeurope.com/reports/2015/en/EIR_2015.pdf
12. Bleich, Erik (2011), "What Is Islamophobia and How Much Is There? Theorizing and Measuring an Emerging Comparative Concept", *American Behavioral Scientist*, 55 (12).
13. Bright, Martin (2006), "When Progressives Treat with Reactionaries: The British State's flirtation with radical Islamism". Available at: <http://www.policyexchange.org.uk/images/publications/when%20progressives%20treat%20with%20reactionaries%20-%20jul%2006.pdf>
14. Caroline Cox and John Marks (2003) "The 'West', Islam and Islamism: Is ideological Islam compatible with liberal democracy?", *Civitas*. Available at: <http://www.civitas.org.uk/pdf/cs29.pdf>
15. Christian Concern (2017), "the challenge of Islam in the UK", available at: <http://www.christianconcern.com/our-issues/islam/the-challenge-of-islam-in-the-uk>
16. Copey, N., Dack, J., Littler, M., & Feldman, M. (2013). *Anti-Muslim hate crime and the Far Right*. Center for Fascist, Anti-Fascist and Post Fascist Studies, available at: https://www.tees.ac.uk/docs/DocRepo/Research/Copey_report3.pdf
17. Daily Telegraph (2010), "Britain Divided by Islam", Available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/religion/6965276/Britain-divided-by-Islam-survey-finds.html>
18. Frampton, M., Goodhart, D., & Mahmood, K. (2016). *Unsettled Belonging: A Survey of Britain's Muslim Communities*. Policy Exchange, [online] Available at: <https://policyexchange.org.uk/publication/unsettled-belonging-a-survey-of-britains-muslim-communities>, 25
19. George Osborne (2004), "Bush is giving the Tories a masterclass in how to win", *The Times*, 31 August, Available at: http://www.timesonline.co.uk/tol/comment/columnists/guest_contributors/article476521.ece

20. Githnes-Mazer, Jonathan and Robert Lambert (2010), "Islamophobia and Anti-Muslim Hate Crime: A London Case Study", European Muslim Research Center, available at: https://www.counterextremism.org/download_file/98/134/107/
21. Goodman, C. J. (2008). "what is a think tank? . Retrieved 2 3, 2012, from atlasusa : [http://www.atlasusa.org/V2/files/pdfs/Chapter Goodman.pdf](http://www.atlasusa.org/V2/files/pdfs/Chapter%20Goodman.pdf)
22. James Brandon and Douglas Murray (2007), "Hate on the State: How British libraries encourage Islamic extremism", Centre for Social Cohesion, Available at: http://www.socialcohesion.co.uk/files/1229624470_1.pdf
23. Lambert, Robert and Githens-Mazer, Jonathan (2010), "Islamophobia and Anti Muslim Hate Crime: UK Case Studies 2010", European Muslim Research Center and University of Exeter, available at: http://studies.aljazeera.net/ResourceGallery/media/Documents/2012/1/8/2012189209731734Islamophobia%20and%20Anti%20Muslim%20Hate%20Crime_%20Case%20Studies.pdf
24. Maher, Shiraz (2011), "Ties that Bind: How the story of Britain's Muslim Soldiers can forge a national identity", available at: <http://www.policyexchange.org.uk/images/publications/ties%20that%20bind%20-%20sep%2011.pdf>
25. Maher, Shiraz and Frampton, Martyn (2009), " Choosing our friends wisely: Criteria for engagement with Muslim groups", available at: <http://www.policyexchange.org.uk/images/publications/choosing%20our%20friends%20wisely%20-%20mar%2009.pdf>
26. Mills, Tom and Griffin, Tom and Miller, David (2011), "The Cold War on British Muslims: An examination of Policy Exchange and the Centre for Social Cohesion", Spinwatch Foundation, available at: <http://www.spinwatch.org/index.php/about/bookstore/item/5416-the-cold-war-on-british-muslims>
27. Munira Mirza, Abi Senthikumar and Zein Ja'far (2007), " Living apart together: British Muslims and the paradox of multiculturalism", available at: <http://www.policyexchange.org.uk/publications/category/item/living-apart-together-british-muslims-and-the-paradox-of-multiculturalism>
28. Peter Barron (2007), "Disastrous misjudgement?", BBC Blogs, 13 December 2007. Available at: http://www.bbc.co.uk/blogs/theeditors/2007/12/disastrous_misjudgement.html
29. Richardson, Robin (2012), "Islamophobia or anti-Muslim racism – or what – concepts and terms revisited", available at: <http://www.insted.co.uk/anti-muslim-racism.pdf>
30. Rich, A. (2004) Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise, Cambridge : Cambridge University Press
31. Tell, M. A. M. A. (2016). The geography of anti-Muslim hatred: Tell MAMA annual report 2015. Faith Matters, London. Retrieved on 5th September. Available at: https://www.tellmamauk.org/wp-content/.../pdf/tell_mama_2015_annual_report.pdf
32. The Guardian (2016), "UK Muslims show worrying belief in conspiracy theories, claims thinktank", available at: <https://www.theguardian.com/world/2016/dec/02/uk-muslims-show-worrying-belief-in-conspiracy-theories-claims-thinktank>
33. <http://www.policyexchange.org.uk/about/>